

## جایگاه تشریح، شورا و بیعت در فقه و حقوق اسلامی

نوشته

دکتر محمد جعفری هرندی

www.ketab.ir

سرشناسه	: جعفری هرندی، محمد، ۱۳۱۸ -
عنوان و نام پدیدآور	: جایگاه تشریح، شورا و بیعت در فقه و حقوق اسلامی / نوشته محمد جعفری هرندی.
مشخصات نشر	: تهران: هفتان، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۱۲۰ ص.
شابک	: ۹۵۰۰۰ ریال 4-06-7513-600-978 :
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
موضوع	: قانونگذاری (فقه)
موضوع	: (Legislation Islamic law)
موضوع	: مشاوره -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
موضوع	: Counseling -- Religious aspects -- Islam
موضوع	: بیعت (فقه)
موضوع	: (Allegiance Islam law*)
رده بندی دنگره	: ۱۳۹۵ ج ۲ / ج ۷۴ / BP۲۳۱
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۴۸۳۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۲۹۲۱۱

نام کتاب : جایگاه تشریح، شورا و بیعت در فقه و حقوق اسلامی

مؤلف : دکتر محمد جعفری هرندی

ناشر: هفتان

تعداد چاپ: ۲۰۰ نسخه

قیمت: ۹۵۰۰۰ ریال

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۵

ناظر چاپ: شهرام رضایی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۵۱۳-۰۶-۴

تلفن مرکز پخش: ۰۲۱۶۶۹۵۰۲۶۴

آدرس: تهران انقلاب خ وحید نظری

## فهرست:

۹	..... مقدمه
۱۵	..... فصل اول
۱۶	..... تشریح
۱۹	..... ۱-۱- احکام منصوص و ضروری
۲۰	..... ۲- احکام مستنبط
۲۱	..... ۱-۲- استنباط از نصوص
۲۱	..... ۱-۲-۱- برداشت از ظواهر
۲۲	..... ۱-۲-۱-۳- استنباط استنادی بر مبنای عقلی
۲۳	..... ۱-۲-۱-۴- استنباط استنادی بر مبنای عقلی
۲۴	..... ۲- جایگاه موضوع در تعین حد و مجرای
۲۵	..... ۱-۲- موضوعات طبیعی و شرعی
۲۵	..... ۲-۲- موضوعات شرعی
۲۶	..... ۲-۲-۳- موضوعات نوظهور
۲۸	..... ۳- محدوده تشریح
۳۱	..... فصل دوم
۳۱	..... شوری
۳۳	..... ۱- محدوده رسالت پیامبران
۳۴	..... ۱-۱- هدف عام رسالت انبیاء
۳۷	..... ۱-۲- رسالت حضرت ابراهیم (ع)
۳۹	..... ۱-۳- رسالت حضرت موسی (ع)
۴۰	..... ۱-۴- رسالت حضرت عیسی (ع)
۴۱	..... ۱-۵- رسالت پیامبر اسلام (ص)
۴۶	..... ۲- ارزش رفتار معصومان در بیرون از محدوده پیشواتی دینی
۴۸	..... ۳- جایگاه شورا
۴۹	..... ۳-۱- مشورت پیامبر با مردم
۵۰	..... ۳-۱-۱- داستان افک

- ۵۳ ..... ۲-۱-۳- مشورت در مورد اسیران جنگ بدر
- ۵۵ ..... ۳-۱-۳- مشورت در انتخاب منبر
- ۵۵ ..... ۴-۱-۳- مشورت در جنگ احد
- ۵۶ ..... ۵-۱-۳- مشورت در جنگ خندق
- ۵۷ ..... ۶-۱-۳- مشورت در محاصره طائف
- ۵۷ ..... ۲-۳- مشورت حضرت علی (ع)
- ۵۷ ..... ۱-۲-۳- طرف مشورت قرار گرفتن حضرت علی
- ۶۰ ..... ۲-۳- حرکت حضرت علی در شورای شش نفره
- ۶۱ ..... ۲-۳- تسلیم به مشورت مردم در حکمیت
- ۶۲ ..... ۳-۳- واگذاری خلافت به شورا در صلح امام حسن (ع)
- ۶۲ ..... ۴- اهمیت مسرت در مردمگ و جامعه اسلامی
- ۶۷ ..... بیعت
- ۶۸ ..... ۱-۱- جوار
- ۷۰ ..... ۲-۱- حلف
- ۷۳ ..... ۱-۳- ولاء
- ۷۶ ..... ۲- جایگاه بیعت در اسلام
- ۷۶ ..... ۱-۲- آیات ناظر به بیعت
- ۷۷ ..... ۲-۲- بیعت پیامبر با مسلمانان
- ۷۷ ..... ۱-۲-۲- بیعت عقبه اول
- ۷۹ ..... ۲-۲-۲- بیعت عقبه دوم
- ۸۰ ..... ۳-۲-۲- بیعت رضوان
- ۸۱ ..... ۴-۲-۲- بیعت پیامبر با زنان
- ۸۵ ..... ۳- بیعت پس از پیامبر
- ۸۵ ..... ۱-۳- بیعت با ابوبکر
- ۸۶ ..... ۲-۳- بیعت با عمر
- ۸۷ ..... ۳-۳- بیعت با عثمان
- ۸۷ ..... ۴-۳- بیعت با حضرت علی (ع)
- ۹۴ ..... ۵-۳- بیعت با امام حسن (ع)

۹۵	۳-۶- بیعت های دیگر.....
۹۸	۴- دیدگاه فقهای اهل سنت در مورد بیعت.....
۱۰۱	۵- دیدگاه عالمان شیعه در خصوص بیعت.....
۱۰۲	نتیجه گیری.....
۱۰۳	۱- محدوده تشریح.....
۱۰۶	۲-محدوده شورا.....
۱۰۷	۳-محدوده بیعت.....
۱۱۵	کتابشناسی:.....

www.ketab.ir

## مقدمه

دین باوران احکام دینی را که تبلور باور آنان در میدان عمل است مستند به شارع یعنی خدای متعال محاط می کنند و هر آن چه «حکم دینی» خوانده می شود را محصول وحی یا سنت که آن هم در نوبه خود متکی به وحی است می دانند. و به همین جهت گاهی خود را لزوما در قالب همین آموزها و با ترازوی فتاوی صاحبان شریعت سنجیده و هر آن چه خارج از این مقیاس صورت پذیرد را خلاف شرع تلقی کنند.

گرچه خواست دیر آهوان از مؤمنان به دین، چه در حوزه فردی و چه در حوزه اجتماعی، چنین غلیظ رسیده نبوده که دینداران هر کاری را در حوزه دین ارزیابی کنند بلکه پیامبران به آن جهت دعوت شده اند تا آن چه انجام یا ترکش لازم است به مردم بیاموزند و اصل بر آن است که در انجام یا ترک کارها بدون نیازه تأیید صاحب شریعت-آزادند (مگر آن چه بادلما شرعی استثنا شده باشد) و نیازی به تأیید چنین آزادی از سوی صاحب شریعت وارد ندارد (شیخ انصاری - فرائد الاصول - باب براءت).

اما عاطفه دینی، اکثر قریب باتفاق مؤمنان را وادار ساخته که در حد کاری از شارع نظر خواهی کنند و این وضع در آغاز کار هر پیامبری و تأسیس هر جامعه‌ای چنین نبوده ولی رفته رفته و در حوادث مختلفی که در جامعه رخ داده اهمیت یافته است. احکام دین و هر حکمی در دو بعد قابل توجه است یکی بعد تأسیس (شرعی) و دیگری بعد اجراء و به همین جهت در تشکیلات قانونی عرفی، قوه مجریه را از قوه مقننه و قوه قضائیه جدا کرده و به قوه مقننه در بعد ایجاد قوانین نگریسته و قوه مجریه را عامل تحقق نتایج قوانین بحساب آورده و قوه قضائیه را برای تطبیق مفاهیم بر مصادیق در موارد اختلافی به وجود آورده اند.

در آموزه های دینی به سه واژه که مرتبط با قانون گذاری و اجرای قانون است برخورد می شود و این سه واژه عبارت است از: تشریح، شورا و بیعت.

در فرهنگ اسلامی و مآخذ اولیه؛ مانند کتاب و سنت؛ و نیز کتب فقهی، تاریخی و حقوقی، بمناسبت‌های مختلف این سه واژه وارد شده که هر یک در جای خود اهمیت خاص دارد. و در این نوشتار، کاربرد مفاهیم هر یک از واژه‌های یاد شده به بحث گذاشته میشود. مقصود از تشریح بیان و وضع احکام برای موضوعات است؛ خواه آن موضوعات از عرف و طبیعت گرفته شود، مانند بیع و شرب خمر یا آنکه شارع تعیین و تعریف نماید، مانند نماز و روزه.

کار تشریح مخصوص خداست که در اصطلاح فقهی از آن به نام شارع (وضع کننده احکام) یاد می‌شود. و چون بیان احکام وسیله پیامبران یا امامان معصوم است؛ با تسامح، به امام و پیامبر هم شارع گفته شده است.

مقصود از شورت تامل و تأمل در مسائلی است تا از نیروی عقل و تجربه خود در حل مشکلات و بهبود کارها استفاده نمایند.

در قرآن مجید شورا و رایزنی را تأیید و به پیامبر (ص) امر شده که با مردم مشورت نماید (آل عمران آیه ۱۵۳) و در جای دیگر، یکی از صفات پسندیده مؤمنان را شورائی بودن کارشان دانسته است (الشوری آیه ۳۶).

بیعت از بیع (فروختن) گرفته شده و به معنای قراردادی است که میان شخص برتر با افرادی که به موجب آن قرارداد تحت فرمان او قرار می‌گیرند به وجود می‌آید در حالی که «حلف» یا «تحالف» (هم پیمان شدن) قراردادی است که میان افراد با صفت تساوی نه برتری یکی بر دیگری به وجود می‌آید (لسان العرب - واژه بیع).

در طول تاریخ اسلام بیعت جایگاه عمده و ویژه‌ای داشت و علاوه بر آن که مردم با پیامبر اسلام (ص) در موارد متعدد بیعت کرده و مضامین این بیعت‌ها تناسب و تقابلی متفاوت بوده، در قرآن مجید هم از بیعت مسلمانان با پیامبر اسلام تمجید شده است (الفتح، آیه ۱۰).

**سؤال اصلی این بحث این است که :**

اسلام در چه جایی اقدام به تشریح کرده و در کجا مشورت را روا می‌داند و بالاخره در چه اموری باید یا می‌توان بیعت کرد؟

فرضیات مختلفی می توان در پاسخ به سؤال یاد شده مطرح کرد که همه این فرضیات احتمالی بازگشت به این باور می کند که در محدوده دین چگونه مشورت و رایزنی که حیانا<sup>۱</sup> به پذیرش رأی انسان ها در امور مورد نظر منجر می شود و یا بیعت که نوعی برادراد میان افراد است، می تواند جایگزین یا مساوی با احکام الهی باشد! چون فرض بر آن است که در احکام دینی هر آن چه لازم بوده بیان شده، آن هم با اراده باری تعالی و بر مردم حق وضع حکم دینی را ندارند و لذا در چند آیه از قرآن آمده که اراده و تصمیم خدا بر اراده و تصمیم مردم مقدم است ( الاحزاب آیه ۳۷ ) و بر مردم لازم است که از آن چه خدا مقرر کرده اطاعت کنند ( النساء آیه ۶۳ ) .

با قبول این که باید به تکلیف دینی عمل کرد ، عمدتاً دو فرضیه در این خصوص مطرح است .

یک فرضیه ، آن که مشورت و بیعت هیچ دخالتی در احکام دینی - چه در حوزه وضع قانون و چه در حوزه عمل را ندارد و اگر خدا هم امر به مشورت کرده یا مشورت را ستوده مخصوص به موارد خاص و مرطبه زمانی است که هنوز تمام احکام ابلاغ نشده بود. هم چنین بیعت هم نه برای دخالت در وضع حکم یا اجرای آن صورت می گرفته بلکه این کار در اوائل بعثت پیامبر صورت گرفته که هنوز دین اسلام مستقر نگشته بود و چون دین استقرار یافت و پیامبر قدرت پیدا کرد و بیشتر مردم دستورهای او را به عنوان حکم الهی بی چون و چرا پذیرفتند در اجرا و بیان حکم ، نیازی به اعلام موافقت مردم نبوده و دیگر بیعت جایگاهی نداشته است .

فرض دیگر آنست که مشورت و بیعت در جایی می تواند صورت گیرد که حکم مسلمی از سوی شارع مقرر نشده و یا نحوه اجرای حکم مقرر شده متفاوت به نظر می رسد . در این موارد است که می توان از آراء مردم استفاده کرد و یا موافقت آنان را در نحوه اجرای حکم در قالب بیعت اخذ نمود . شاید بتوان فرضیات دیگری هم مطرح ساخت اما دو فرضیه یاد شده عمده است و مباحثی هم که در حقوق و تاریخ اسلامی به میان آمده به دو فرضیه یاد شده بازمی گردد .

نویسنده فرضیه دوم را در این بررسی انتخاب نموده و درصدد اثبات آنست . بدین معناکه می خواهد اثبات نماید، مشورت بلحاظ شرع در دو مورد دروالت است:

یکی اموری که شرع در آنها دخالتی نداشته و از حدود رسالت پیامبران خارج است.

دوم اجرای احکام دینی که نحوه آن از سوی شارع معین نشده باشد.

در پی این سؤال پرسش های فرعی دیگری هم به وجود می آید که باید بدان ها پاسخ داد مثل اینکه :

- اگر حاصل و نتیجه شورا با نظر مشورت کننده - در حالی که وی معصوم است

- مغایر باشد چه باید کرد ؟ و آیا مردم از آن جمله معصوم می توانند به رأی

عموم عمل کرده و نظر معصوم (ع) را کنار نهند ؟

آیا می توان در هر امری مشورت کرد و یا امور خاصی قابل طرح در شورا است

؟

- هرگاه مسلمان بدون دخالت حاکم بنا بر مشورت نهادند و در اموری که

مشورت دینی نداشته به رای زنی پرداختند ولی حاکم مسلمانان نتیجه

مشورت آنان را نپذیرد نظر دیگری ابراز داشت آیا بر مسلمانان لازم است از

نظر حاکم پیروی کنند یا بعکس بر حاکم لازم است که از نظر شورائی

مسلمانان تبعیت نماید .

همچنین در بیعت هم پس از روشن شدن جایگاه آن در حقوق و فقه اسلامی سؤال

هائی مطرح است مانند اینکه :

- آیا بیعت اجباری - اگر محقق شود - انقضای آن بر شخص مجبور لازم

است ؟

- در صورتی که نتوان اقلیت مخالف را به بیعت اجباری کشید آیا آن اقلیت حق

مخالفت با تصمیم اکثریت را دارد ؟

به این گونه سؤال ها و سؤال های دیگری هم که امکان طرح دارند باید پاسخ داد .

برای توضیح و تبیین اصل سؤال و اثبات فرضیه منتخب مباحث مورد نظر در سه فصل

بیان خواهد شد .

در فصل اول به تشریح حکم که شامل:

احکام منصوص و ضروری ، احکام مستنبط ، برداشت از نصوص ، برداشت از

ظواهر ، استنباط به استناد دلیل مستقل عقلی ، استنباط به استناد استلزام عقلی ، تفاوت

